

هدف: چه کار کنیم که شیطان بر ما تسلط پیدا نکند تا امام در غربت نماند

در روایات داریم که شیطان در چهار جا ناله زده:

قال المعصوم علیه السلام: ان ابليس عدو الله رن اربع رنات: يوم لعن، و يوم اهبط الى الارض، و يوم بعث النبي (ص) و يوم غدیر..^۱

امام معصوم علیه السلام فرمود: شیطان دشمن خدا چهار بار ناله کرد:

اول روزی که مورد لعن خدا واقع شد که خدا تو کتاب عزیزش قرآن به این موضوع پرداخته و فرموده که: قال فَأَخْرَجَ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيمٌ

^۲ به فرموده علی ع در یکی از خطبه های " نهج البلاغه": " او هزاران سال عبادت پروردگار کرده بود، اما یک ساعت تکبر همه آنها را به

آتش کشید و بر باد داد!" آری یک بنای مهم و معظم را باید در سالیان دراز ساخت ولی ممکن است آن را در یک لحظه با یک بمب

قوی به ویرانی کشید! اینجا بود که می بایست این موجود پلید از صفوف ملاء اعلی و فرشتگان عالم بالا اخراج گردد.^۳

دومین جایی که شیطان شروع کرد به ناله زدن روزی بود که به زمین هبوط کرد خداوند در قرآن می فرماید که وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ

لِبَعْضٍ عَدُوٌّ^۴ که در اینجا منظور از دشمنی حضرت ادم و حوا و دشمنی شیطان با ایشان بوده است

و سومین جایی که شیطان ناله زد در روزی که پیامبر اکرم (ص) مبعوث شد. امیرالمومنین می فرماید: صدای ناله شیطان را شنیدم،

عرضه داشتیم: یا رسول الله، این صدای ناله چیست؟ فرمود: این ناله شیطان است که وی را از پرستش شدن یأس و ناامیدی دست داده؛

تو آنچه را می شنوم می شنوی، و آنچه را می بینم می بینی، جز اینکه پیامبر نیستی، ولی وزیر من و بر طریق خیر هستی.^۵

و چهارمین جایی که شیطان ناله زده روز عید غدیر بوده.

تفسیر العیاشی عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْخَزَاعِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَذْكُرُ فِي حَدِيثِ غَدِيرِ خُمٍّ أَنَّهُ لَمَّا قَالَ النَّبِيُّ ص لِعَلِيِّ ع

مَا قَالَ وَ أَقَامَهُ لِلنَّاسِ صَرَخَ إِبْلِيسُ صَرَخَةً فَاجْتَمَعَتْ لَهُ الْعَفَارِيْتُ فَقَالُوا يَا سَيِّدَنَا مَا هَذِهِ الصَّرْخَةُ فَقَالَ وَيْلَكُمْ يَوْمَكُمْ كَيْوَمِ عِيسَى وَ اللَّهُ

لَأُضِلَّنَّ فِيهِ الْخَلْقَ قَالَ فَزَلَّ الْقُرْآنُ وَ لَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ صَرَخَ إِبْلِيسُ صَرَخَةً فَارْجَعَتْ إِلَيْهِ

الْعَفَارِيْتُ فَقَالُوا يَا سَيِّدَنَا مَا هَذِهِ الصَّرْخَةُ الْأُخْرَى فَقَالَ وَيْحَكُمْ حَكَى اللَّهُ وَ اللَّهُ كَلَامِي قُرْآنًا وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ وَ لَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ

فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ قَالَ وَ عِزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ لَأَلْحِقَنَّ الْفَرِيقَ بِالْجَمِيعِ قَالَ فَقَالَ النَّبِيُّ ص بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ قَالَ صَرَخَ إِبْلِيسُ صَرَخَةً فَارْجَعَتْ إِلَيْهِ الْعَفَارِيْتُ فَقَالُوا يَا سَيِّدَنَا مَا هَذِهِ الصَّرْخَةُ الثَّلَاثَةُ

قَالَ وَ اللَّهُ مِنْ أَصْحَابِ عَلِيٍّ وَ لَكِنَّ بِعِزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ يَا رَبُّ لَأَزِيْنَنَّ لَهُمُ الْمَعَاصِيَ حَتَّى أُبْغِضَهُمْ إِلَيْكَ. این بیان شیطان نشان میده که از

روز غدیر شیطان رسماً دشمنی خودش رو بر علیه شیعیان علی اعلام کرد. دشمنی که با تمام قوا بر شیعیان هجوم آورده است.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَ الَّذِي بَعَثَ بِالْحَقِّ مُحَمَّدًا لِلْعَفَارِيْتُ وَ الْأَبَالِسَةُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَكْثَرَ مِنَ الزَّنَابِيرِ عَلَى اللَّحْمِ وَ الْمُؤْمِنِ أَشَدُّ مِنَ الْجَبَلِ وَ

الْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْفَأْسِ فَيُنْحَتُ مِنْهُ وَ الْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ عَلَى دِينِهِ^۶

خداوند در قرآن ما را نسبت به این دشمن برحذر دانسته و علت تسلط شیطان بر ما را بیان می فرماید:

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ اتِهِمَا إِنَّهُ يَرَنكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا

افتاح

اندیشه

^۱ - قرب الاسناد: ۱۰.

^۲ - ص ۷۷

^۳ - تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص: ۳۴۱

^۴ - بقره ۳۶

۵. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه / ترجمه انصاریان - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۸ ش.

^۶ - مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - ج ۳۷؛ ص ۱۶۴ - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

ما شيعيان على باید کاری کنیم که این دشمن رو زمین بزیم و کاری کنیم که شیطان مانند روز غدیر هر لحظه ناله کند یک نمونه اش رو بگم : امام علیه السلام می فرماید کونوا زینا و لا تكونوا شینا و علیکم بطول الرکوع و السجود فان احدکم اذا اطال الرکوع و السجود هتف ابليس من خلفه فقال يا وبله اطاع و عصیت و سجد و ابیت.

یکی از عوامل مهم تسلط پیدا کردن شیطان بر ما توهم ولایت مداری است. خیال می کنیم به شیعه واقعی هستیم و با این فکر دغدغه تسلط شیطان را از بین می بریم. در حالی که ادعای شیعه خالص بودن موجب تسلط شیطان بر ما می شود.

دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرُّضَاعَ وَ هُوَ مَسْرُورٌ فَقَالَ مَا لِي أَرَاكَ مَسْرُورًا قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ سَمِعْتُ أَبَاكَ يَقُولُ أَحَقُّ يَوْمٍ بِأَنْ يُسَرَ الْعَبْدُ فِيهِ يَوْمٌ يَرْزُقُهُ اللَّهُ صَدَقَاتٍ وَ مَبْرَاتٍ وَ مَدَخَلَاتٍ مِنْ إِخْوَانٍ لَهُ مُؤْمِنِينَ فَإِنَّهُ قَصَدَنِي الْيَوْمَ عَشْرَةَ مِنْ إِخْوَانِي الْفُقَرَاءِ لَهُمْ عِيَالَاتٌ فَقَصَدُونِي مِنْ بَلَدٍ كَذَا وَ كَذَا فَأَعْطَيْتُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فَلِهَذَا سُرُورِي فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ع لَعَمْرِي إِنَّكَ حَقِيقٌ بِأَنْ تُسَرَ إِنْ لَمْ تَكُنْ أَحْبَبْتَهُ أَوْ لَمْ تُحِبَّهُ فِيمَا بَعْدُ فَقَالَ الرَّجُلُ فَكَيْفَ أَحْبَبْتَهُ وَ أَنَا مِنْ شِيعَتِكَ الْخُلَصِ قَالَ هَاهُ قَدْ أَبْطَلْتَ بَرَكَ بِإِخْوَانِكَ وَ صَدَقَاتِكَ قَالَ وَ كَيْفَ ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ع أَقْرَأَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذَى قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا مَنَنْتُ عَلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ تَصَدَّقْتُ عَلَيْهِمْ وَ لَا أَذَيْتُهُمْ قَالَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ع إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا قَالَ لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذَى وَ لَمْ يَقُلْ بِالْمَنِّ عَلَى مَنْ تَصَدَّقُونَ عَلَيْهِ وَ بِالْأَذَى لِمَنْ تَصَدَّقُونَ عَلَيْهِ وَ هُوَ كُلُّ أَدَى أَ فَتَرَى أَذَاكَ الْقَوْمَ الَّذِينَ تَصَدَّقْتَ عَلَيْهِمْ أَ عَظَمُ أَمْ أَذَاكَ لِحَفْظَتِكَ وَ مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقْرَبِينَ حَوَالَيْكَ أَمْ أَذَاكَ لَنَا فَقَالَ الرَّجُلُ بَلْ هَذَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ لَقَدْ أَذَيْتَنِي وَ أَذَيْتُهُمْ وَ أَبْطَلْتَ صَدَقَتَكَ قَالَ لِمَاذَا قَالَ لِقَوْلِكَ وَ كَيْفَ أَحْبَبْتَهُ وَ أَنَا مِنْ شِيعَتِكَ الْخُلَصِ ثُمَّ قَالَ وَيْحَكَ أَ تَدْرِي مَنْ شِيعَتُنَا الْخُلَصُ قَالَ لَا قَالَ فَإِنَّ شِيعَتَنَا الْخُلَصَ حِزْبِيلُ الْمُؤْمِنِ الْمُؤْمِنِ أَلِ فِرْعَوْنَ وَ صَاحِبُ السِّدِّ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ جَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى وَ سَلْمَانُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمُقْدَادُ وَ عَمَّارٌ سَوَّيْتُ نَفْسَكَ بِهَؤُلَاءِ أَمْ أَذَيْتَ بِهَذَا الْمَلَائِكَةَ وَ أَذَيْتَنَا فَقَالَ الرَّجُلُ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ فَكَيْفَ أَقُولُ قَالَ قُلْ أَنَا مِنْ مُوَالِيكَ وَ مُجِيبِكَ وَ مُعَادِي أَعْدَائِكَ وَ مُوَالِي أَوْلِيَائِكَ قَالَ فَكَذَلِكَ أَقُولُ وَ كَذَلِكَ أَنَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ قَدْ ثُبْتُ مِنْ الْقَوْلِ الَّذِي أَنْكَرْتَهُ وَ أَنْكَرْتَهُ الْمَلَائِكَةُ فَمَا أَنْكَرْتُمْ ذَلِكَ إِلَّا لِإِنْكَارِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ع الْآنَ قَدْ عَادَتْ إِلَيْكَ مَثُوبَاتُ صَدَقَاتِكَ وَ زَالَ عَنْهَا الْإِحْبَاطُ. وَ قَالَ الْإِمَامُ ع قَالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَلَانُ يُنْظَرُ إِلَى حَرَمِ جَارِهِ فَإِنْ أَمَكْنَهُ مُوَاقَعَةُ حَرَامٍ لَمْ يَرَعْ عَنْهُ فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ قَالَ أَتُونِي بِهِ فَقَالَ رَجُلٌ آخَرٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُ مِنْ شِيعَتِكُمْ مِمَّنْ يَعْتَقِدُ مُوَالَاةَكَ وَ مُوَالَاةَ عَلِيٍّ وَ يَبْرَأُ مِنْ أَعْدَائِكُمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا تَقُلْ إِنَّهُ مِنْ شِيعَتِنَا فَإِنَّهُ كَذِبٌ إِنْ شِيعَتُنَا مَنْ شِيعَتَنَا وَ تَبَعَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَ لَيْسَ هَذَا الَّذِي ذَكَرْتَهُ فِي هَذَا الرَّجُلِ مِنْ أَعْمَالِنَا^٧

اگر خودمون رو از تسلط شیطان خارج کردیم نه تنها ناله شیطان رو در میاریم که رضایت امام رو هم خواهیم داشت و جزء یاران خاص امام زمان می شویم. وقتی خبر شهادت شهید جلال افشار رو آوردند ، آیت الله بهاء الدینی به شدت گریه کردند و فرمودند : امام زمان از من یه یار خصوصی خواستند و من جلال افشار رو معرفی کردم.

یا شهید احمد علی نیری (یکی دیگر از دوستان احمد آقا در باره ایشان چنین می گویند "زندگی او مانند یک انسان عادی ادامه داشت ، اما اگر مدتی با او رفاقت داشتی ، متوجه می شدی که او یکی از بندگان خالص درگاه خداست. یک بار برنامه ی بسیج تا ساعت سه بامداد ادامه داشت. بعد احمد آهسته به شبستان مسجد رفت و مشغول نماز شب شد. من از دور او را نگاه می کردم .حالت او تغییر کرده بود. گویی خداوند در مقابلش ایستاده و او مانند یک بنده ضعیف مشغول تکلم با پروردگار است. عبادت عاشقانه ی او بسیار عجیب بود. آنچه که ما از نماز بزرگان شنیده بودیم در وجود احمد آقا می دیدیم . قنوت نماز او طولانی شد آن قدر که برای من سوال ایجاد کرد. یعنی چه شده؟! بعد از نماز به سراغش رفتم و از او پرسیدم: احمد آقا تو قنوت نماز چیزی شده بود ؟ احمد همیشه در جواب هایش فکر می کرد. برای همین کمی مکث کرد و گفت: نه چیز خاصی نبود. انقدر اصرار کردم که مجبور شد حرف بزند. در قنوت نماز بودم که گویی از فضای مسجد خارج شدم . نمی دانی چه خبر بود! آنچه که از زیبایی های بهشت و عذاب های جهنم گفته شده را همه دیدم ، انبیاء را دیدم که در کنار هک بودند)

میدونید این مقام رو چه طور بدست آورد ؟ بایک مبارزه با شیطان. دوست شهید نیری میگه یه بار به زور از زیر زبانش بیرون کشیدم و البته از من قول گرفت تا زنده است به کسی نگم. گفت یه بار که بچه های مسجد رو برده بودیم کوه برای آب آوردن به کنار آب رفتم ، متوجه شدم که چند نفر خانم دارن آب تنی می کنند . بلافاصله نشستیم . با خدای خود معامله کردم که نگاهم رو از گناه بیوشانم و رضایت خدا رو بخرم. رفتم از جای دیگه ای آب بردم روی آتیش گذاشتم. دود آتیش که بلند شد اشکم جاری شد و شروع کردم گریه کردن . ناگهان دیدم زمین و کوه و درخت و ... به تسبیح خدا درآمدند.

پرورش
احساس

اما گه شیطان بر ما مسلط شد ، امام غریب خواهد شد:

حضرت زهرا س در خطبه فدک می فرماید : **أَطَّلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَعْرَظِهِ هَاتِفًا بِكُمْ فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ وَ لَلْعِزَّةِ فِيهِ مَلَا حِظِينَ ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غِضَابًا**

اگه شیطان بر ما مسلط شد ناله امام است که بلند خواهد شد :

نقل شده است که پس از شهادت امام حسین (ع) ابلیس لعین از خوشحالی پرواز کرد و تمام زمین را گشت و شیاطین و عفاریت را به دور خود جمع کرد و گفت: ای شیاطین ؛ ما امروز به آرزوی خود رسیدیم، و مردم را اهل جهنم کردیم، مگر کسی که در این مصیبت گریه کند و به دوستی و محبت آل محمد (ص) مصمم گردد. پس تا می توانید مردم را از این واقعه در شک اندازید و از آگاهی از این مصیبت باز دارید تا زحمت من به هدر نرود.

«إِنَّ إِبْلِيسَ لَعَنَهُ اللَّهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ يَطِيرُ فَرَحًا فَيَجُولُ الْأَرْضَ كُلَّهَا بِشِطَائِينِهِ وَ عَفَارِيْتِهِ فَيَقُولُ يَا مَعَاشِرَ الشَّيَاطِينِ قَدْ أَدْرَكْنَا مِنْ دُرِّيَّةِ آدَمَ الطَّلِبَةَ وَ بَلَّغْنَا فِي هَلَاكِهِمْ الْغَايَةَ وَ أَوْرَثْنَاَهُمُ النَّارَ إِلَّا مَنْ اعْتَصَمَ بِهَذِهِ الْعِصَابَةِ فَاجْعَلُوا شُغْلَكُمْ بِتَشْكِيكِ النَّاسِ فِيهِمْ وَ حَمْلِهِمْ عَلَى عِدَاوَتِهِمْ وَ إِعْرَاقِهِمْ بِهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ حَتَّى تَسْتَحْكِمُوا ضَلَالَةَ الْخَلْقِ وَ كُفْرَهُمْ وَ لَا يَنْجُو مِنْهُمْ نَاجٍ - وَ لَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ هُوَ كَذُوبٌ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُ مَعَ عِدَاوَتِكُمْ عَمَلٌ صَالِحٌ وَ لَا يَضُرُّ مَعَ مَحَبَّتِكُمْ وَ مَوَالِيَتِكُمْ ذَنْبٌ غَيْرُ الْكِبَائِرِ.»^٨

اما چه کنیم از تسلط شیطان خود را خارج کنیم:

صدوق ره در حدیثی از امام باقرعلیه السلام روایت کرده که فرمود: پس از این که نوح نفرین کرد و قوم او غرق شدند، شیطان نزد او آمد و گفت: ای نوح تو حقی بر من داری که می خواهم جبران کنم. نوح فرمود: چقدر برای من ناراحت کننده است که من به گردن تو حقی پیدا کرده باشم. اکنون بگو آن حق چیست؟ شیطان گفت: آری تو نفرین کردی و خدا این مردم را غرق کرد و کسی به جای نماند که من او را بفرییم و از راه راست بیرون برم. اینک تا آمدن قرن دیگر و نسل آینده من آسوده هستم. نوح گفت: اکنون چگونه می خواهی جبران کنی؟ شیطان گفت برای تلافی این حقی که به گردن تو دارم، چند جمله به تو می گویم: در سه جا به یاد من باش (و مرا از خاطر مبر) که من در این سه جا از هر جای دیگر به آدمی نزدیک ترم: اول در جایی که خشم می کنی، دوم در وقتی که میان دو نفر قضاوت می کنی و سوم هنگامی که با زن بیگانه ای خلوت می کنی و کس دیگری با شما نیست.^۹

خشم و غضب:

از دیگر کمین های شیطان، کمین گاه خشم و غضب می باشد. خشم شعبه ای از دیوانگی است زیرا در آن حالت عقل از کار می افتد، کنترل انسان از دست می رود و از خود غافل و بیگانه می شود؛ چه فرصتی طلایی تر از این فرصت برای دشمن خواهد بود؟ با از دست رفتن کنترل و انزوای عقل اعضای بدن به ویژه زبان به فرمان دشمن ها شده، فاجعه ها می آفریند. ناسزاهای، تهمت ها، دروغ ها، افشای رازها، آبرو ریختن ها، ستم ها و قتل ها و... در این شرایط بروز می نماید و هر کدام به تنهایی همانند تیری زهرآلود از ناحیه ی دشمن قسم خورده، قلب را نشانه می گیرد و آدمی را از پای در می آورد.^{۱۰} بی دلیل نیست که خشم و غضب را سپاهی از سپاهیان دشمن می شناسند. آن گونه که حضرت علی علیه السلام به حارث همدانی می فرماید: «احذر الغضب فإنه جند عظیم من جنود إبلیس»^{۱۱}، «از خشم بپرهیز که آن سپاهی بزرگ از سپاهیان ابلیس است.» در جای دیگر به ابن عباس چنین مرقوم می فرماید: «إیاک و الغضب فإنه طیره من الشیطان»^{۱۲} «از خشم بپرهیز که آن پاره ای از شیطان است که در دل آدمی برافروخته می شود.^{۱۳} حالتی نفسانی است که نور عقل را می پوشاند و اثر قوه ی عاقله را ضعیف می کند.^{۱۴} پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم) در این باره فرمودند: «أن الغضب من الشیطان و أن الشیطان خلق من النار و إنما یطفی النار الماء فإذا غضب أحدکم فلیتوضأ»^{۱۵} «خشم از شیطان است و شیطان از آتش پدید آمده و آتش را با آب خاموش توان کرد و وقتی یکی از شما خشمگین شدید وضو بگیرید».

رفتار
سازی

^۹ - خصال، ج ۱، ص ۶۵.

^{۱۰} - نراقی، ۷۹

^{۱۱} - نهج البلاغه، نامه ی ۶۹/۴۶۰

^{۱۲} - همان، نامه ی ۷۶/۴۶۶

^{۱۳} - خوانساری، ۵/۸۳

^{۱۴} - نراقی، ۷۹

^{۱۵} - فرید تنکابنی، ۴۱۱:

حضرت علی (علیه السلام) در نامه ای به عبدالله بن العباس فرمودند: «در هنگام روبروشدن با مردم و در مجلس خود و در زمان داوری و دادگری گشاده رو و فروتن باش و خوشتن را از غضب دور بدار که به راستی، غضب، سبکی و کم عقلی است از سوی شیطان که عارض انسان می شود که هر چه تو را به خدا نزدیک کند، تو را از آتش دوزخ دور می سازد و آن چه تو را از خدا دور سازد، به آتش دوزخ نزدیک می کند.»^{۱۶}، و آن کس از گزند شیطان در امان می ماند که بر خشم خود فائق گردد. «ظفر بالشیطان من غلب غضبه»^{۱۷}، «بر شیطان پیروز گشته کسی که بر خشم خود غالب شود»

قابل توجه زنان آزاردهنده به همسر

نافرمانی زن از خواسته‌های به حق شوهر، و ناامن کنند خانه برای همسر، و تن ندادن به کارگزاری و تدبیر مرد، و تلخی ایجاد کردن در محیط خانه، و آزار دادن به شوهر با عمل و رفتار و با زبان، و اصرار برخواسته‌های نابجا و خارج از قدرت و توان مرد همه و همه بدون شک جنبه معصیت و گناه دارد، گناه و معصیتی که خشم خدا و عذاب قیامت را در پی خواهد داشت، و قطعاً عاقلانه نیست که زنی با آزار دادن به شوهر و سرپیچی از او در امور حق، خود را مستحق عذابی کند که برای هیچ صاحب حیاتی قابل تحمل نیست. لازم می‌دانم به چند روایت که درونمائی از عذاب قیامت را بیان می‌کند اشاره کنم.

از ابوبصیر مردی که مورد وثوق و اطمینان حضرت صادق (ع) بوده به سند صحیح روایت شده که می‌گوید به محضر حضرت صادق مشرف شدم و گفتم: ای فرزند پیامبر خدا مرا با بیان کردن عذاب الهی بیم ده که دلم به شدت دچار قساوت شده است.

فرمود: ای ابومحمد برای زندگی دور و درازی که زندگی آخرت است آماده باش، زندگی و حیاتی که نهایت و بن بست ندارد، به راستی نسبت به حیات آخرت اندیشه کن، و برای آن توشه مناسب فراهم نما.

به راستی که امین وحی روزی به محضر رسول خدا آمد در حالی که قیافه‌ای در هم داشت و آثار اندوه در چهره‌اش آشکار بود، در حالی که پیش از آن هرگاه به نزد پیامبر می‌آمد خندان و خوشحال می‌آمد.

رسول خدا فرمود: ای جبرئیل چرا امروز خشمگین و اندوهناک آمده‌ای؟ عرضه داشت امروز دمهائی را که بر آتش دوزخ می‌دمیدند متوقف کردند، پیامبر پرسید دمه‌های آتش دوزخ چیست، پاسخ داد ای رسول الهی خداوند فرمان داد که هزار سال بر آتش جهنم دمیدند تا سپید شد، پس هزار سال دیگر دمیدند تا سرخ شد، آنگاه هزار سال دیگر دمیدند تا سیاه شد، اکنون سیاه و ظلمانی است، اگر قطره‌ای از ضریع که عرق بدن زنان زناکار اهل جهنم است و در دیگ‌های دوزخ جوشانده می‌شود و به عوض آب به جهنمیان می‌خورانند، در آب‌های اهل دنیا بریزند بناچار همه اهل دنیا از گندش بمیرند، و اگر یک حلقه از زنجیری که هفتاد زراع است و بر گردن اهل دوزخ می‌گذارند بر دنیا بگذارند از حرارت آن تمام دنیا بگدازند، و اگر پیراهنی از پیراهن‌های اهل آتش را در میان زمین و آسمان بیاویزند اهل دنیا از بوی بد آن هلاک شوند!!

چون امین وحی این مسائل را بیان فرمود حضرت رسول و جبرئیل به شدت متأثر شدند، خداوند مهربان فرشته‌ای به سوی ایشان فرستاد که: پروردگار به شما سلام می‌رساند و اعلام می‌کند که من شما را از این که دچار عذاب شوید ایمن نمودم، بعد از آن هر وقت جبرئیل خدمت آن حضرت آمد متبسم و خندان بود.

^{۱۶} - نهج البلاغه، نامه ی ۷۶/۴۶۵

^{۱۷} - تمیمی آمدی، ۲/۲۴۷

آنگاه حضرت صادق (ع) فرمود که: در آن روز اهل آتش به عظمت دوزخ و عذاب خداوند پی می‌برند، و اهل بهشت عظمت بهشت و نعیم آن را آگاه می‌شوند، و چون دوزخیان وارد دوزخ شوند، هفتاد سال می‌کوشند تا خود را به بالای جهنم می‌رسانند، چون برسند فرشتگان عذاب با گرزهای آهن به سر آنان می‌کوبند تا به قعر جهنم درافتند، در میان دوزخ پوست بدن آنان را تغییر می‌دهند و پوست تازه بر آنان می‌پوشانند که عذاب بیشتری را بچشند.